

دانشنامه جدید صهیونیسم و اسرائیل

Geoffrey Wigoder, editor, *New Encyclopedia of Zionism and Israel*, London: Herzl Press, 1994, 2 Vols., 1521 pages.

بیژن اسدی

استادیار دانشکده علوم اقتصادی
و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

تشکیل کشور اسرائیل، ریشه در

«صهیونیسم» و بویژه «صهیونیسم سیاسی»

دارد. صهیونیسم سیاسی از دیدگاه برخی

گروه‌های یهودی، یک آرمان تاریخی -

سیاسی است. یعنی: بازگشت یهودیان آواره

و پراکنده در نقاط مختلف جهان، به سرزمین

اصلیشان فلسطین؛ به عبارت دیگر، نهضتی

برای گردآوری مجدد یهودیان در قالب ملتی

واحد است. بنا به «باور صهیونیست‌ها» ریشه

پیدایش صهیونیسم سیاسی را باید در تاریخ

و عقاید مذهبی آنان یافت. وعده‌های

مذهبی موجود در برخی از آیات تورات^۱ و دیگر داستانهای تاریخی مورد استناد یهودیان، از جمله مهمترین پایه‌های عقیدتی صهیونیسم را تشکیل می‌دهد. به استناد این گونه باورها، صهیونیست‌ها ریشه و حقوق تاریخی خود را در سرزمین فلسطین می‌یابند.

بنابه اعتقاد یهودیان، یکی دیگر از

عناصر تشکیل دهنده صهیونیسم، سابقه و

نقش تاریخی آنان در سرزمین فلسطین

است. یعنی، سابقه سکونت تاریخی آنان و

دوران حکومت حضرت داود و سلیمان و

افراد دیگری در فلسطین که مؤید «حقوق

تاریخی» آنان در آن سرزمین است.^۲

در بحث صهیونیسم، باید

«صهیونیسم سیاسی» و «صهیونیسم مذهبی

و فرهنگی» را از یکدیگر متمایز کرد.

صهیونیسم سیاسی به وسیله «تئودور

هرتسل»^۳ (یا هرتزل) مجاری الاصل، شکل

گرفت که در اواخر قرن نوزدهم در شهر وین

(اتریش) نظریه و مکتبی برای آن پدید آورد.

وی صهیونیسم را از شکل مذهبی و معنوی

آن خارج کرد و به آن شکل و محتوای

سیاسی بخشید. جدا از هرتزل - که «پدر

صهیونیسم سیاسی» به شمار می‌رود - نظریه پردازان دیگری نظیر «لئوپینکر»^۴ و «پرز اسمولنسکین»^۵، (نویسندگان روسی) نیز در همان اوان، از جمله نظریه پردازان اولیه صهیونیسم سیاسی محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، صهیونیسم سیاسی به عنوان یک مقوله کاملاً متفاوت از صهیونیسم مذهبی و فرهنگی، با افکار و هدفهایی کاملاً سیاسی - و نه مذهبی - پا به عرصه وجود نهاد.

صهیونیسم مذهبی، امید بزرگ رهایی بخش یهودیان در آخر الزمان است. این تفکر و مکتب، غالباً از سوی عرفای یهودی تبلیغ و ترویج شده است. رهبران فکری صهیونیسم مذهبی، بر ارتباط متقابل میان مردم، قانون و سرزمین اسرائیل تأکید می‌کنند. همین افکار، بعداً چند گروه مذهبی - سیاسی را در جامعه فلسطین و بعداً اسرائیل به وجود آورد (نظیر جنبش «میزراهی» و «آگودات اسرائیل») شکل کاملاً متفاوتی از صهیونیسم نیز به وسیله شخص «احدهاآم»^۶ پایه گذاری شد، منتها وی به جای پرداختن به مسایل صرف سیاسی عمدتاً بر احیای «فرهنگ عبری» تأکید

می‌کرد. «احدهاآم» در دهه ۱۸۹۰، تفکری متفاوت از صهیونیسم سیاسی را مطرح می‌کند.

در چالش عقیدتی و مکتبی، میان صهیونیسم مذهبی، فرهنگی و سیاسی، سرانجام، پیروان گروه اخیر (صهیونیسم سیاسی)، گوی سبقت را از دیگران، بودند و همین گروه بودند که بالاخره آرمان غایی خود، یعنی ایجاد وطن و دولت ملی یهود را با استفاده از انواع روشهای فریبکارانه سیاسی به مرحله اجرا گذاشتند. تا این که، سرانجام، طرح تقسیم فلسطین در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ در سازمان ملل متحد به تصویب رسید و پس از آن، کمتر از یک سال بعد در ۱۴ ماه مه ۱۹۴۸، کشور اسرائیل پا به عرصه وجود نهاد.

کتاب «دانشنامه جدید صهیونیسم و اسرائیل» در دو جلد، به شکل مفصل و دقیق، مسایل و امور مربوط به صهیونیسم (در اشکال مختلف آن) و اسرائیل را به شکل دانشنامه ای و الفبایی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در این دانشنامه، کلیه شخصیت‌های یهودی و غیر یهودی،

اسرائیلی و ملیتهای دیگر - اعم از سیاسی، مذهبی، فرهنگی، نظامی، هنری، اجتماعی، اقتصادی و غیره - که به نحوی با مسایل اسرائیل یا صهیونیسم مربوط می باشند، معرفی شده اند. جدا از آنها، کلیه رخدادهای تاریخی و معاصر، گروهها، جنبشها، سازمانها و نهادها، اسناد و مدارک، باورها و اعتقادات مذهبی یهود، چالشها و منازعه ها، جنگهای اعراب و اسرائیل، اصطلاحات ویژه و بالاخره کلیه اموری که به تاریخ و روند صهیونیسم و اسرائیل مربوط می شوند، در دانشنامه حاضر، مورد بحث و ارایه اطلاعات قرار گرفته اند.

نکته علمی جالب توجه در تدوین دانشنامه حاضر، این است که براساس فهرست ارایه شده در ابتدای کتاب (جلد اول)، حدود ۳۸۰ نفر استاد، پژوهشگر و نویسنده متخصص و معتبر عمدتاً اسرائیلی و بعضاً عرب و فلسطینی (مثلاً: «علی حیدر» رئیس اداره آموزش اعراب در وزارت آموزش و پرورش اسرائیل) و غربی در تنظیم و تدوین مدخلها یا مقاله های مربوط، مشارکت داشته اند. چنان که در پایان هر مقاله نیز امضای آنها ثبت شده است. برخی مقاله ها

که دارای دو امضا هستند، بدین معنی است که نفر اول نویسنده اصلی، و نفر دوم کسی است که در چاپ جدید کتاب آن را بازبینی و به روز کرده است. مقاله هایی نیز که امضا ندارد، نوشته یکی از اعضای هیأت تحریریه مرکزی می باشد. بنابراین، با به کارگیری روش اخیر، به نظر می رسد که محتوای هر یک از مقاله ها، حتی الامکان به شکل تخصصی و دقیق تدوین شده است و همین امر، اعتبار علمی این دانشنامه تخصصی و چند بعدی را افزایش می دهد. ضمناً، جدا از نفرات یاد شده، حدود ۴۰ نفر دیگر نیز از جمله اعضای هیأت تحریریه مرکزی، مشاوران سردبیر و هیأت تحریریه، دبیران بخشهای تخصصی گوناگون کتاب (باتوجه به محتوای مقاله ها) و کارکنان فنی و اجرایی دانشنامه به شمار می روند. بنابراین، عملاً حدود ۴۲۰ نفر در تهیه و تنظیم و تدوین مطالب این کتاب، ایفای نقش کرده اند. بدین ترتیب، بدون تردید، مخارج و سرمایه گذاری زیادی در این راه صرف شده است.

براساس پیشگفتار کتاب، فکر تدوین چنین دانشنامه ای، بدو در حدود اواسط

دهه ۱۹۶۰ و به وسیلهٔ دکتر «امانوئل نیومن»، استاد دانشگاه نیویورک (و بعداً رییس بنیاد تئودور هرتسل) مطرح و ارایه شد. انجام بررسیهای کارشناسی بعدی دربارهٔ تدوین دانشنامهٔ مورد نظر (صهیونیسم و اسرائیل)، نشان داد که باید محدودهٔ زمانی تدوین مقاله‌های دانشنامه، از همان زمان نضج فکر صهیونیسم و تشکیل اولین کنگرهٔ جهانی صهیونیسم در شهر «بال» سوئیس در سال ۱۸۹۷، در نظر گرفته شود. چرا که «برنامهٔ صهیونیسم»، (شامل چهارماده) از جمله خواستار اسکان یهودیان سایر کشورها در سرزمین فلسطین شده بود (ماده یک برنامه) چنین بود که بنا به برنامه ریزیهای دقیق انجام گرفته، به وسیلهٔ رهبران اصلی و اولیه صهیونیسم، تلاشهای گوناگون آنان (اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی، تبلیغاتی و غیره)، بالاخره پس از گذشت حدود سه نسل متوالی، هدف اصلی آنان که تشکیل کشور اسرائیل به عنوان موطن مورد نظرشان بود، انجام گرفت.^۷

با هدف مذکور، در اواسط دههٔ ۱۹۶۰، کار علمی بر روی تدوین و تنظیم دانشنامهٔ مورد نظر آغاز شد. در این راستا،

دکتر نیومن (طراح اصلی تدوین دانشنامه)، یک کمیتهٔ مشورتی علمی و یک هیئت تحریریهٔ مرکزی تشکیل داد و پرفسور «رافائل پاتای»^۸ را به عنوان سردبیر دانشنامه برگزید. بدین ترتیب، پس از ۱۰ سال کار گروهی و علمی، بالاخره در اواسط دههٔ هفتاد، اولین چاپ این دانشنامه از سوی «انتشارات هرتسل» و «مک گرو هیل» (به طور مشترک) در نیویورک (آمریکا) منتشر شد. ولی با گذشت حدود ۲۰ سال از آن زمان، طبعاً ضرورت تجدید نظر و بازنگری در مطالب اولین چاپ با توجه به وقوع رخدادها و تحولات بسیار در زمینه‌های مربوط، امری اجتناب ناپذیر می نمود. چنین بود که چاپ جدید و تجدید نظر شدهٔ دانشنامه، در سال ۱۹۹۴ به انجام رسید. بنابراین، به گفته ناشر، حدود ۳۰ درصد مطالب کتاب حاضر جدید است.

در خلال مطالعهٔ مقاله‌های گوناگون دانشنامه، یک واقعیت عینی و بارز به چشم می خورد. آن، عبارت از برنامه ریزی دقیق، آینده نگری، توجه کامل به تخصص و تجربهٔ افراد در انجام کارهای گوناگون، پرداختن به علم و دانش و فن آوری - با توجه به

نیازهای آتی جامعه خود (اسرائیل) - و بالاخره، سختکوشی و جدی بودن صهیونیست‌ها از بدو فعالیت‌های جنبش «صهیونیسم سیاسی» از اواخر قرن نوزدهم به بعد است. ضمناً استفاده از روش‌های مطلوب نگاهداری و بازیابی اسناد و مدارک تاریخی و سیاسی از سوی آنان به خوبی در خلال صفحات کتاب، مشاهده شود. در همین راستا، یکی از ویژگی‌های این دانشنامه، چاپ اسناد و مدارک تاریخی و سیاسی مربوط به سازمانها و نهادهای اسرائیلی، گروهها و جمعیت‌های گوناگون صهیونیستی و یهودی، مکان‌های جغرافیایی و تاریخی، عکسهایی از شخصیت‌های گوناگون سران صهیونیسم، اسرائیل، یاوران جنبش صهیونیسم سیاسی و غیره می‌باشد که برای پژوهشگران مسایل اعراب و اسرائیل و جنبش صهیونیسم سیاسی، بسیار قابل توجه و مفید است.

براساس مستندات این دانشنامه، یکی از اولین اقدامات سازمان یافته یهودیان جهان که با هدایت «سازمان صهیونیسم جهانی» (تأسیس: ۱۸۹۷) انجام گرفت، انجام فعالیت‌های کشاورزی و توسعه آن در

جوامع یهودی در کشورهای جهان و بویژه، در سرزمین فلسطین بود. یهودیان، این امر را با استفاده از تشکیل گروه‌های «کشاورزی - مهاجرتی» که به زبان عبری «هی - هالتوس» یا «پیشرو» (پیشاهنگ) نامیده می‌شدند، به انجام رساندند. در همین راستا، «سازمان جهانی جوانان یهود» اعضای خود را برای انجام کارهای «پیشروانه» و «خود - دفاعی» در فلسطین آموزش می‌داد. اولین تلاشها، به منظور ایجاد یک سازمان پیشروانه از سوی گروه مهاجرتی «بیلو» در کشور روسیه تزاری و در اوایل دهه ۱۹۰۰ انجام گرفت. یکی از مهمترین ایده‌ها و آموزشهایی که چنین گروه‌هایی داشتند، عبارت از انجام فعالیت‌های کشاورزی - چه در سرزمین اصلی خود (کشور محل اسکان) و چه بعداً در سرزمین مهاجرتی فلسطین - بود. همین گروهها پس از مهاجرت به سرزمین فلسطین و آرمانی خود، در بدو امر «کیبوتص»ها (جوامع کشاورزی در سرزمین مقدس) و سپس «موشاو»ها (دهکده‌های تعاونی با خرده کشاورزان) را تشکیل دادند. آنان معتقد بودند که بدین وسیله می‌توانند «روح

یهود» و هدف اصلی خود، یعنی بازگشت به «سرزمین مقدس» را احیا کرده، آن را زنده نگه دارند. این گروهها، (هی-هالوتس یا پیشروها) عمدتاً در روسیه تزاری، لهستان، رومانی و کشورهای بالتیک شکل گرفتند و توسعه یافتند.^۹

مطالعه و بررسی مقاله‌های گوناگون مربوط به سازمانها، گروهها و نهضتهای گوناگون یهودی و صهیونیستی نشان می‌دهد که آنان از بدو تشکیل، با یک برنامه ریزی منظم و آینده‌نگری روشن، فعالیت خود را آغاز کرده و در طول زمان نیز دامنه فعالیت آنان گسترش یافته است. مثلاً، پس از شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴)، با توجه به شرایط نامطلوب امور بهداشتی و پزشکی در سرزمین فلسطین و شیوع برخی بیماریهای واگیردار (نظیر تیفوس و وبا) در آن جا، بلافاصله سازمان صهیونیسم جهانی دست به کار می‌شود و با همکاری آمریکاییها و بعداً دولتهای اروپایی و نیز سازمانهای محلی صهیونیسم در آن کشورها، «واحد پزشکی صهیونیسم آمریکایی» را سازماندهی و تشکیل می‌دهند. پس از آن نیز، با همکاری سازمان «هداسه» (سازمان

صهیونیستی زنان آمریکایی) یک سپاه ویژه پزشکی را تشکیل می‌دهند.^{۱۰}

نکته قابل تأمل برخی مقاله‌های (مدخلهای) دانشنامه، این است که نویسندگان آنها، برخی از واقعیتها را وارونه جلوه داده و یا تحریف کرده‌اند، یا این که اصولاً از پرداختن به برخی مسایل مهم خودداری کرده‌اند. به عنوان مثال، در دانشنامه، مقاله‌هایی درباره پروتکل‌های محرمانه یهود (حاوی برنامه‌های توسعه طلبانه، تجاوزکارانه یا تروریستی صهیونیست‌ها در برخورد با فلسطینی‌ها و اعراب) و شخصیت‌های معروف و روشنفکر یهودی که منتقد شدید برنامه‌های صهیونیستی و دولت اسرائیل هستند - نظیر «اسرائیل شاهاک» «موشه منوهین» و غیره - ارایه نشده است! و یا در مورد شخص «خاخام مایر کاهانا»، رهبر جنبش «کاخ» به عنوان یک گروه و حزب سیاسی افراطی و دست راستی (که در سال ۱۹۸۶، ابتدا در ایالات متحده تشکیل شد و بعداً به اسرائیل انتقال یافت) مقاله‌ای ارایه نشده و ارجاع نیز داده نشده است.^{۱۱} البته درباره جنبش «کاخ»، مقاله‌ای ارایه شده است.^{۱۲} گفتنی

است که سیاستهای شدیداً افراطی و ضد فلسطینی شخص مذکور، در دسرهای زیادی را برای دولت اسرائیل ایجاد کرد و عاقبت نیز در ماه نوامبر ۱۹۹۰ در شهر نیویورک، ترور شد و به قتل رسید! البته طرفدارنش، خط مشیهای وی را همچنان ادامه می دهند.

نکته جالب توجه دیگر درباره خط مشی یکجانبه و طرفدارانه کتاب، این است که، در مقاله (مدخل) «مهاجرت‌های غیرقانونی» یهودیان به سرزمین فلسطین در خلال دهه ۱۸۸۰ تا سال ۱۹۴۸ (تأسیس اسرائیل)، علی‌رغم این که به طور مفصل به این امر پرداخته شده است، ولی آمارهای تطبیقی جمعیت یهودیان با جمعیت اعراب فلسطینی ارایه نشده است. بلکه تنها به ذکر آمارهای کلی تعداد مهاجران غیرقانونی به فلسطین اشاره گردیده^{۱۲}، چرا که در واقع، بررسی اسناد و مدارک تاریخی و معتبر دیگر، حاکی از این واقعیت است که تعداد اعراب فلسطینی در مقایسه با یهودیان ساکن و مهاجر (غیرقانونی) در دوران مذکور، بسیار بیشتر از قشر اخیر بوده است. چنان که حتی در زمان اعلام طرح تقسیم

فلسطین (۱۹۴۷)، یهودیان ساکن و مهاجر، جمعاً حدود ۳۲ درصد از کل جمعیت سرزمین را تشکیل می دادند. چنین است که مسئولان تدوین و انتشار دانشنامه صهیونیسم و اسرائیل، ظاهراً صلاح ندیده اند که این گونه آمارهای مقایسه‌ای روشنگرانه را به خوانندگان خود ارایه دهند! در همین راستا، خط مشی مصلحت‌گرایانه، در مقاله «جمعیت اسرائیل» نیز سال ۱۹۴۸، مبنای بحث و ارایه آمار و ارقام و روند جمعیت آن کشور، گرفته شده است. ضمناً در جدول مقایسه‌ای جمعیت اسرائیل در فاصله سالهای ۱۹۸۶-۱۹۴۸، جمعیت یهودیان فلسطین اشغالی (اسرائیل جدید التأسیس) در ماه مه سال ۱۹۴۸، حدود ۶۵۰ هزار نفر ذکر شده که صحیح است، ولی با کمال تعجب، جمعیت غیر یهودیان (مسلمانان فلسطین و مسیحیان و غیره) در همان تاریخ، تنها ۱۵۶ هزار نفر ثبت شده که نادرست است.^{۱۴} چرا که بنا به گواه اسناد معتبر بین‌المللی، جمعیت اعراب فلسطین در زمان تشکیل اسرائیل، حداقل دوسوم کل جمعیت سرزمین فلسطین بوده است که

رقمی حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر را شامل می شده است! البته مشخص است که چنین برخورد غیر علمی و غیر صادقانه به منظور القای این اعتقاد به خواننده بوده است که در زمان تشکیل اسرائیل (اشغال سرزمین فلسطین)، جمعیت یهودیان بسیار بیشتر از اعراب فلسطینی بوده است! نکته دیگر این که، در مقاله های مربوط به «سازمان ملل متحد و فلسطین و اسرائیل»، «تقسیم فلسطین» و غیره با کمال تعجب نقشه تقسیم فلسطین براساس قطعنامه سال ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد چاپ نشده است. این در حالی است که نقشه های مربوط به طرح تقسیم فلسطین در قبل از آن تاریخ - که البته حالت اجرایی نیافتند - (نظیر: طرح مدرسون - گریدی، ۱۹۴۴ و یا طرح کمیسیون پیل، ۱۹۳۷) در دانشنامه چاپ شده است. البته این اقدام، روشن است، زیرا صهیونیست ها از همان ابتدا اعتنایی به محدوده تعیین شده از سوی سازمان ملل نکردند و کشور اسرائیل را در محدوده ای فراتر از آن تشکیل دادند، بنابراین بدیهی است که چاپ نقشه نیز چندان به صلاح وضعیت فعلی اسرائیل نبوده است!

یکی دیگر از نکات منفی کتاب، این است که، در مورد وقایع اولیه تروریستی و اسفناک و ضد بشری دهکده های «دیراسین» و «کفر قاسم»، و نیز وقایع بعدی اردوگاههای «صبرا و شتیلا»، مقاله ای ارایه نشده است. این، در حالی است که در مقاله «مدخل» «فداییان» (چریکهای فداییان فلسطینی) به مدخل: «سازمانهای تروریستی اعراب» ارجاع داده شده است.^{۱۵} بدین ترتیب، به نظر می رسد که ظاهراً در تعریف عملی «فعالیت های تروریستی» از دیدگاه مسئولان دانشنامه، برخوردی دوگانه و کاملاً متفاوت انجام شده است. نکته دیگر این که، در مقاله مفصل یاسر عرفات (رهبر سازمان چریکی الفتح و ساف و نیز رییس حکومت خودگردان فلسطین) از اقدامات و عملیات چریکی وی به عنوان «عملیات تروریستی» نام برده شده است.^{۱۶}

به هر حال، علی رغم وجود برخی برخوردهای غیر علمی و غیر صادقانه و نامنتطبق بر واقعیت های تاریخی یا سیاسی (تحریف های سیاسی) در تدوین برخی مقاله های دانشنامه، باید اذعان کنیم که

این کتاب، دارای بار علمی و پژوهشی زیادی است. بنابراین، بدون تردید می‌تواند مورد استفاده فراوان پژوهشگران مسایل خاورمیانه و اعراب و اسرائیل قرار گیرد. بویژه این که ما در زبان فارسی، متأسفانه با کمبودها و خلاءهای قابل توجهی در زمینه ادبیات و متون سیاسی و مخصوصاً خاورمیانه روبه‌رو هستیم.

یادداشتها:

- ۱- ر.ک. به سفر پیدایش، بابهای: ۱۵، ۱۷، ۲۸.
- ۲- برای مطالعه پیرمون «اسطوره حقوق تاریخی» و نیز «اسطوره توراتی» و بحث مبانی درستی و نادرستی آن از جمله ر.ک. روزه گارودی، ماجرای اسرائیل: صهیونیسم سیاسی، ترجمه دکتر منوچهر بیات مختاری، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴، بخش اول.

3. Theodor Herzl (1860- 1904).

4. Leo Pinsker (1821-1891).

5. Perez Smolenskin.

6. Ahad Ha'am.

۷- برای کسب اطلاعات بیشتر درباره روند صهیونیسم سیاسی و نیز تشکیل کشور اسرائیل از جمله ر.ک. به: بیژن اسدی، «صهیونیسم سیاسی: تبدیل آرمان مذهبی به آرمان سیاسی»، مطالعات منطقه‌ای- اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، تهران: مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۷۹، جلد چهارم.

8. Raphael Patai.

۹- ر.ک. به ص ص ۹۵-۹۲ دانشنامه، جلد اول.

۱۰- ر.ک. به ص ص ۷۳-۷۲ دانشنامه، جلد اول.

۱۱- برای کسب اطلاعات بیشتر درباره روند زندگی، فعالیتهای وی و جنبش «کاخ» ر.ک. به: محمد شریده، رهبران اسرائیل (زندگینامه کارگزاران سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی صهیونیسم و اسرائیل)، ترجمه و پژوهش بیژن اسدی و مسعود رحیمی، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۸، ص ص ۴-۱۵۳.

۱۲- ر.ک. به ص ص ۷۸۴ دانشنامه، جلد دوم.

۱۳- ر.ک. به ص ص ۴۹-۶۴۷ و نیز ص ص ۵۴۵ دانشنامه، جلد اول.

۱۴- ر.ک. به ص ص ۶۸-۱۰۵۹ دانشنامه، جلد دوم.

۱۵- ر.ک. به ص ص ۴۱۱ دانشنامه، جلد اول.

۱۶- ر.ک. به ص ص ۱۰۵ دانشنامه، جلد اول.